ایستاده در یک جبهه، نشسته در دو سنگر

مقاومت به‌مثابه حلقه مشترکِ علامه مصباح و شهید سلیمانی

مهدی جمشیدی

۱. اگر انقلاب اسلامی را به‌عنوان خروجِ جمعی از «ولایت طاغوت» بدانیم و مصداقِ تمام‌عیارِ طاغوت را در این زمانه، «تجدّد غربی» قلمداد کنیم، باید علامه مصباح و شهید سلیمانی را دو نیروی تاریخ‌سازِ «هم‌جبهه‌ای» تصویر کنیم که راه «مقاومت» را در پیش گرفتند. دو هم‌جبهه‌ای که یکی از دریچهٔ «اندیشه‌ورزی»، مسیر مقاومت را در پیش گرفت و دیگری، از دریچهٔ «نظامی‌گری». تاریخ انقلاب، از آغاز تا کنون، تاریخ آمیخته با مقاومت بوده است، بلکه باید گفت که مقاومت، جوهر این تاریخ است. این تاریخ قدسی، برآمده از تاریخِ شدن‌های تکاملیِ انبیای الهی است که زنجیره‌ای از مبارزه‌ها و مجاهده‌های سرنوشت‌ساز را رقم زد و پرچم حقّ را در مقابل باطل برافراشتند. این زنجیره، ادامه یافت تا به انقلاب ایران رسید و در این انقلاب، یکی از عالی‌ترین نمونه‌های تقابل و تضاد شکل گرفت. در یک سوی این میدان، مردمی قرار دارند که در اثر تذکّر رسولانهٔ امام خمینی، به خویشتنِ ایمانی‌شان بازگشتند و خویش را از سایهٔ تاریخِ غرب، خارج کردند، و در سوی دیگر، غرب قرار دارد که در پی جهانی‌سازیِ خویش است و می‌خواهد بساطِ سلطهٔ استکباریِ خود را در عالم بگستراند. انقلاب ایران، این «معادلهٔ جدید» را پدید آورد و نیروهای اجتماعیِ ایران را در امتداد خویش، بسیج کرد.

۲. مقاومت به روایت اسلامِ انقلابی، محتاج «دلیل» است و دلیل از «اندیشه» برمی‌خیزد. انقلاب باید «عقلانیّتِ متمایز» خویش را عرضه می‌کرد تا از استیلای تاریخِ تجدّد بیرون آید و تبدیل به یک دیگریِ خطرناک برای تجدّد شود. این عقلانیّت، از متن «دین» برمی‌خاست و بر بنیان‌هایی مستقل از «تفکّر غربی» تکیه داشت. در طول دهه‌های پس از انقلاب، کسی که بیش از دیگران کوشید که چنین عقلانیّتی را تولید کند، علامه مصباح بود. مطالعات و معارف او، حامل چنین جهت‌گیری‌ای هستند؛ او همواره تلاش می‌کرد که خویشتنِ معرفتیِ متناسب با عالمِ قدسیِ انقلاب را بپروراند و جامعهٔ ایران را از لحاظ فکری و معرفتی، از سیطرهٔ «ایدئولوژی‌های تجدّدی» خارج کند. ازاین‌جهت، باید او را یک «متفکّر چالش‌گر» و «اندیشه‌ورزِ انتقادی» قلمداد کرد که سر سازگاری با تجدّد ندارد و می‌خواهد «عقلانیّت انقلابی» را به عنوان یک جایگزین و بدیل تاریخی مطرح سازد. پس جنبهٔ تضادی و کشمکشیِ وی از ماهیّت انقلاب اسلامی برمی‌خیزد و چون انقلاب، حاصل اعراض از تجدّد بود و سخن تازه به میدان آورد، علامه مصباح نیز همواره در تفکّر خود، سویهٔ چالش‌گری را در نظر داشت.

۳. شهید سلیمانی، بر آن بود که خطّ تاریخیِ انقلاب را به بیرون از مرزهای ایران امتداد دهد و سیطرهٔ تجدّدِ غربی را از جوامع اسلامیِ دیگر نیز بزداید و شدن‌ها و صیرورت‌های مسلمانان را به مرحلهٔ «تمدّن اسلامی» نزدیک کند. تمدّن اسلامی، تمدّنی نیست که منحصر به ایران باشد، بلکه این تمدّن برآمده از «هم‌گراییِ جوامع مسلمان» است و چنانچه فراتر از مرزهای ملّی، یک «افقِ تاریخیِ مشترک» تعریف شود، تمدّن اسلامی نیز شکل خواهد گرفت. این‌چنین غایتی، متوقف بر آن است که مقاومت در برابر تجدّدِ غربی، «توجیه نظری» و «توضیح معرفتی» داشته باشد و مبتنی بر خواست سیاسی و سودای شخصی نباشد. هم امکان مقاومت و هم مطلوبیّت آن، وابسته به «دلیل» است و باید قدم اوّل را در «عالم فکر» برداشت. باید نشان داد که انقلاب اسلامی، ذیل تاریخِ تجدّد نیست و عالم تجدّد، بر طاغوت تکیه دارد و می‌توان در برابر آن ایستاد. این‌همه، گزاره‌هایی هستند که باید پیش از «مواجههٔ نظامی»، در متن یک «مواجههٔ معرفتی»، صورت‌بندی شوند و به اثبات برسند تا «پیشروی عینی» و «فتح عملیاتی»، میسّر شود. کاری که علامه مصباح در دهه‌های گذشته انجام داد، فراهم‌آوردن چنین امکانی برای ایدئولوژیِ مقاومت بود. «ایدئولوژیِ مقاومت»، به‌راستی یک ایدئولوژی است و براین‌اساس، باید بر «استدلال» تکیه داشته باشد و از «برهان» بنوشد. در غیر این صورت، باید تحرّکات فراملّی و منطقه‌ای را در چهارچوب «عمل‌گراییِ سیاسی»، توجیه کرد و آن را فاقد «مبانی معرفتی» قلمداد نمود.

۴. علامه مصباح، انقلاب اسلامی را یک انقلاب متمایز معرفی کرد که ریشه در دین دارد و برخلاف عالم تجدّد، می‌خواهد نظامات اجتماعیِ خویش را بر دین بنا کند و از توحید، روایت عینی و ساختاری بیافریند. ایشان الگوهای ساختاریِ غرب را به چالش کشید، از جمله این‌که دموکراسیِ سکولار را برنتابید و مردم‌سالاری را در متن دین جُست و نشان داد که مردم‌سالاری، سوغات غرب نیست، بلکه نظریهٔ سیاسیِ اسلام، همواره بر تقدّم و اصالت امر اجتماعی نسبت به امر سیاسی دلالت دارد. او سخت بر این باور بود که دولت‌های غربی، «قابل‌اعتماد» نیستند و نباید بر آنها «تکیه» کرد و «استقلال» و «تمایز» را نادیده انگاشت. او معتقد بود که باید «هویّتِ جمعیِ مسلمانان» را احیا و بازسازی کرد و در لایهٔ تمدّنی، یک خودِ مشترکِ فعّال و عینی برای آنها تعریف نمود. با بهره‌گیری از بضاعت و توانمندیِ همین خودِ هویّتی است که مقاومت در برابر تجدّد، ممکن می‌شود و نیروهای اجتماعی در جوامع اسلامی، بسیج می‌شوند. این اندیشه‌ها، «بنیان‌های فکریِ ایدئولوژیِ مقاومت» هستند که از سوی علامه مصباح، ساخته و پرداخته شدند و توسط مجاهدانی همچون شهید سلیمانی و سیّدحسن نصرالله، به «فتوحاتِ میدانی» و «توفیقاتِ عینی» تبدیل و ترجمه شدند.

به عنوان سؤال اول مقداری درخصوص مهم‌ترین مولفه‌های تقویت جبهه مقاومت و نسبت علامه مصباح با این مولفه‌ها توضیح دهید.

برای سنجش توان رزم، پنج مؤلفه را باید در نظر بگیریم: سازماندهی، تجهیزات، آموزش، نظم و انضباط و معنویت. اگر بخواهیم توان جبهه مقاومت را ارزیابی کنیم با این پنج مؤلفه است. مهم‌ترین مقوله در توان رزم معنویت است.اندیشمندان بیش از هفتاد درصد از توان را مربوط به معنویت می‌دانند. ما در مقوله معنویت اگر بخواهیم بحث کنیم باید اول وارد مباحث اعتقادی بشویم. با توجه به منظومه فکری علامه مصباح، سه مقوله را باید بحث کنیم. نظام بینشی، نظام ارزشی و نظام اجتماعی. در نظام بینشی، بحث پایه‌های اعتقادی است. خداشناسی، پیامبرشناسی، امام‌شناسی، ولایت فقیه‌شناسی، قیامت‌شناسی. نقش علامه مصباح در رشد نظام بینشی پاسداران، در رشد نظام بینشی بسیجیان و در رشد نظام بینشی نیروهای حزب‌الله، نیروهای انصارالله، نیروهای جبهه مقاومت، یک نقش بارز است. در بحث جبهه مقاومت؛ تنها زینبیون، فاطمیون، و حزب‌الله و انصارالله مطرح نیستند. منشأ، نظام جمهوری اسلامی و سپاه و بسیج است.

با توجه به تعبیر رهبر انقلاب مبنی بر اینکه آیت‌الله مصباح «استاد فکر» بودند؛ چه میزان از خدمات و آموزه‌های علمی و فکری ایشان برای مردم به خصوص نخبگان و عناصر جبهه مقاومت تبیین شده است؟

ما جزئی از عظمت علامه مصباح را تبیین کردیم. ما هنوز عرفان او را روشن تبیین نکردیم. هنوز نگاه فلسفی و تئوری‌پردازی فلسفی علامه مصباح کامل تبیین نشده است. یک صدم آن راهم تبیین نکردیم. ما هنوز سخنرانی‌های ایشان را که هزاران سخنرانی داشتند در طول حیاتشان، سهم کوچکی را به شکل کتاب در آوردیم. هنوز بسیاری از نظریات و سخنرانی‌هایشان منتشر نشده است. بسیاری از نظریه‌های ایشان چه در مقوله سیاست چه در مقوله مقاومت هنوز تبیین نشده. ما باید کنگره‌ها بگذاریم. در حاشیه کنگره‌ها کمیسیون‌ها شکل بگیرد تا جزئی از عظمت شخصیت علامه مصباح روشن گردد.

غیر از نظام بینشی به نظام ارزشی هم اشاره کردید.

بله؛ غیر از نظام بینشی اگر ما وارد نظام ارزشی بشویم، بحث‌های تربیتی، اخلاقی و معنوی پیش می‌آید. همه این مباحث قابل بحث است. بنده اعتقاد دارم جبهه مقاومت از نظام ارزشی علامه مصباح که وصل به نظام ارزشی امام و رهبر معظم انقلاب اسلامی بود استفاده‌های زیادی کرده است. افرادی در سطح علامه مصباح آمدند به عنوان عقبه فکری نظام، نگاه امامین انقلاب اسلامی را تبیین کردند و همین نگاه، فکر جبهه مقاومت را شکل داد. تا جایی که سردار سلیمانی به سید حسن نصرالله می‌گوید؛ شما اگر می‌خواهید نیروها در مسیر بمانند و منحرف نشوند؛ از نظر اعتقادی و نظام ارزشی و معنوی باید این‌ها را وصل کنید به علامه مصباح.

*** در این باره مقداری بیشتر توضیح بفرمایید.**

خود شهید بزرگوار، شهید سلیمانی بسیاری از کتاب‌های علامه مصباح را مطالعه کرد. بنده تعدادی از کتاب‌های علامه مصباح را که حاج قاسم مطالبه کرده بود به ایشان دادم و ایشان پس از مطالعه باز گفتند بقیه را هم بیاور. سری دوم را مطالعه کرد و باز گفت؛ بقیه را بیاور. تا آخرین روزها، دهم دی ماه ۱۳۹۸ سه روز قبل از شهادت، ایشان که می‌خواست از ایران برود به سمت سوریه و لبنان، به یکی از مسئولان دفتر گفت؛ تا من برمی‌گردم نوارهای اخلاق آیت‌الله مصباح، نوارهای اخلاق آیت‌الله مشکینی، نوارهای اخلاق علامه جوادی آملی را برای من فراهم کنید می‌خواهم همه آنها را گوش کنم.

ارتباط دیگر عناصر جبهه مقاومت با آیت‌الله مصباح چگونه بود؟

وقتی می‌دیدم داخل جلسات شهدای روحانی مدافع حرم ایشان بسیار متواضع می‌آمدند حضور پیدا می‌کردند، من خجالت می‌کشیدم. تجلیلی این حرف خود شهید سلیمانی به سید حسن نصرالله است. که سید حسن نصرالله هم این را تصدیق می‌کند. علامه مصباح در طول حیات مبارک خود معمولاً جلساتی را با بسیجیان و پاسداران و جبهه مقاومت داشتند. در این مدتی که من در نیروی قدس بوده‌ام مطلعم. چه تعداد فقط نیروهای حزب‌الله، فاطمیون، زینبیون و نیروهای سپاه قدس خدمت ایشان می‌رسیدند و استفاده می‌کردند. وقت می‌گذاشت. حتی ایشان به نیروی قدس آمدند. در نیروی قدس سخنرانی کردند. در جلساتی که ما برای این نیرو خارج از مجموعه تشکیل می‌دادیم؛ ایشان حضور پیدا می‌کردند. وقت می‌گذاشتند. خود من هم توفیق داشتم بارها از محضر ایشان ارائه راه و راهنمایی گرفتم تا بتوانیم درست حرکت کنیم. حالا اگر بنده اشتباهی داشتم شاگرد خوبی نبودم، اما ایشان با تمام توان برای این جبهه کار می‌کردند. چه در دوران دفاع مقدس در جبهه جنگ با صدام که هم جسم ایشان حضور داشت و هم فکر ایشان. تعدادی از فرماندهان دوران جنگ هشت ساله از شاگردان ایشان بودند. تعدادی از شهدای جبهه مقاومت از شاگردان ایشان بودند؛ چه در حزب‌الله، چه در سوریه و چه در عراق. بعضی از روحانیون شهید مدافع حرم از شاگردان علامه بوده‌اند و حمایت ایشان از این جبهه به حدی بود که گاهی من خجالت می‌کشیدم.

خاطره یا خاطراتی در این‌باره می‌توانید تعریف کنید؟

وقتی می‌دیدم داخل جلسات شهدای روحانی مدافع حرم ایشان بسیار متواضع می‌آمدند حضور پیدا می‌کردند، من خجالت می‌کشیدم. تجلیلی که ایشان همواره از حاج قاسم می‌کردند بسیار ویژه بود. من یک بار بعد از شهادت حاج قاسم خدمت ایشان رسیدم. ایشان اظهار ارادتی به شهید سلیمانی کرد و یکی دو خاطره هم من گفتم. نکته‌ای ایشان گفت که حالا صلاح نمی‌دانم عین آن نکته را این‌جا بگویم، اما آن‌طور اظهار ارادت و محبت به شهید سلیمانی، نشانه اوج اخلاص و تواضع این مرد بزرگ به این جبهه و شهدای این جبهه بود. به شهید سلیمانی عشق می‌ورزید. به سید حسن نصرالله عشق می‌ورزید. سردار قاآنی در پیام تسلیتی که برای ایشان دارد، می‌نویسد: آن فیلسوف گرانقدر، عالم مجاهد و عارف پرهیزکار همواره سردار دلها شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، فرماندهان محور مقاومت و برادران نیروی قدس را مورد لطف و عنایت خویش قرار می‌دادند و دعوت آنان را برای حضور و افاضه علمی و اخلاقی در محافل مجاهدان و رزمندگان جبهه مقاومت با چهره نورانی و گشاده‌رویی می‌پذیرفتند.

غیر از سخنرانی و حضور در جمع رزمندگان، ارتباط علمی و فکری ایشان با عناصر جبهه مقاومت چگونه بود؟

بسیاری از کتاب‌های ایشان ترجمه شده، حتی تمام کتاب‌های طرح ولایت در جبهه مقاومت در عراق، در میان نیروهای حزب‌الله درس داده می‌شوند. علامه مصباح یزدی می‌فرمودند: حزب‌الله یکی از شاخه‌های درخت پرثمر انقلاب اسلامی است و سید حسن نصرالله یکی از معروف‌ترین و محبوب‌ترین شخصیت‌های جهان عرب و جهان اسلام است. این تعابیر نشانه عشق علامه مصباح از زبان خودشان به سید حسن نصرالله است. اگر من بخواهم این‌جا اشاره کنم باید بگویم؛ علامه مصباح از نظر اثرگذاری بر جبهه مقاومت اگر نگوییم بیش از سید حسن نصرالله است حتماً کمتر نیست. چون جبهه مقاومت را که می‌گوییم دامنه این جبهه گسترده است.

در پایان اگر نکته دیگری را برای استفاده بیشتر مخاطبان صلاح می‌دانید مطرح بفرمایید.

علامه مصباح یزدی در مقوله جنگ در سوریه و مبارزه با داعش هم خودشان و هم شاگردان ایشان وسط میدان مبارزه بودند؛ میدان حمایت از جنگ علیه داعش. و این نکته را به‌عنوان ختم سخن اشاره کنم؛ ایشان می‌فرمایند: مسئله سوریه صرفاً مسئله حکومت سوریه نیست بلکه مسئله این است که سوریه تنها حلقه واسطه برای کمک رساندن به دو کشور لبنان و فلسطین است و حمایت ایران از دولت سوریه وسیله‌ای است که بتواند برای اسلام خدمت کند و حرکت مقاومت را در عالم زنده کند. این حمایت ایشان در عمل از جبهه مقاومت بود.

***

در بخشی از گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین شیرازی، ایشان به برخی از علاقه و محبت شدید علامه مصباح به حاج قاسم و توصیف او اشاره کردند که به همین بهانه در ادامه برخی از این توصیف‌ها را آورده‌ایم.

اشاره: «مرحوم آقای مصباح (رضوان الله علیه) یک استادِ فکر بود... درباره مسائل فکری یک راهنما و مرشدی بود که می‌توانست مرجع و ملجأ باشد... سردار شهید عزیز (حاج قاسم سلیمانی) را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه انقلاب بدان اشاره دارند، متصل به یک آبشخور فکری و معرفتی است. اگر به حاج قاسم باید به چشم یک مکتب نگاه کنیم، مهم‌ترین مولفه این مکتب، عقبه فکری اوست. همو که ما را به پیروی از راه و مکتب حاج قاسم فراخوانده، از ما مطالبه فرموده در مسائل فکری بدون استاد حرکت نکنیم. استاد فکر است که می‌تواند همچون مرجع و پناهگاهی انسان را به عالی‌ترین اهداف الهی برساند. حضرت علامه مصباح یزدی شخصیتی بود که به تعبیر رهبر معظم انقلاب خلأ شخصیت‌هایی همچون علامه طباطبایی و شهید مطهری را برای نیروهای انقلاب پر کرده بود و او و امثال او همچنان تکیه‌گاه جوانان انقلابی نسل چهارم و پنجم هستند. و امروز و فردا (۱۲ و ۱۳ دی‌ماه) مصادف است با رحلت و شهادت دو بزرگ‌مردی که مردان میدان مقاومت بودند. یکی در سنگر فکر و علم و دیگری در سنگر جهاد؛ علامه مصباح یزدی و حاج قاسم سلیمانی.

به همین مناسبت در گفت‌وگویی کوتاه پای صحبت‌های حجت‌الاسلام و المسلمین علی شیرازی که نزدیک به چهل سال با حاج‌قاسم سلیمانی رفاقت داشته نشستیم تا نکته‌های نابی از ارتباط علامه مصباح و حاج قاسم را برایمان بازگو کند.

مسئله این است که سوریه تنها حلقه واسطه برای کمک رساندن به دو کشور لبنان و فلسطین است و حمایت ایران از دولت سوریه وسیله‌ای است که بتواند برای اسلام خدمت کند و حرکت مقاومت را در عالم زنده کند. این حمایت ایشان در عمل از جبهه مقاومت بود.

***

در بخشی از گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین شیرازی، ایشان به برخی از علاقه و محبت شدید علامه مصباح به حاج قاسم و توصیف او اشاره کردند که به همین بهانه در ادامه برخی از این توصیف‌ها را آورده‌ایم.

اسوه شهیدان

این مصیبت‌ها به دنبال خودش پاداش‌های الهی را به همراه دارد، که برکات آن شامل همه امت می‌شود و تا به حال ما از این شهادت‌ها ضرری نکرده‌ایم. همان‌طور که شهادت سیدالشهداء صلوات الله علیه که بزرگ‌ترین فاجعه انسانی در عالم بود بیشترین بهره را برای بشر داشته است. امروز اسلام، انقلاب و مکتب تشیع و آموزه‌های اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین به برکت این شهادت باقی است. اگر این شهادت اتفاق نیفتاده بود معلوم نبود من و شما هم چه اطلاعی از حقایق اسلام، تشیع و از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام داشته باشیم. بنابراین به نوعی شهادت ایشان تبریک دارد، که این حادثه باعث می‌شود برکات الهی گسترش پیدا کند و فیوضات آن شامل همه عالم اسلام شود. (۱۳۹۸,۱۰,۱۳)

اثر دعای پدر و مادر در موفقیت حاج قاسم

جمع این‌گونه صفات که در ایشان بود واقعاً چیزی شبیه محال می‌باشد. من صبح یک درس می‌خواهم بگویم، شب تا صبح فکر چیز دیگر نمی‌کنم. ایشان در سفر جنگ سرنوشت‌ساز است، چطور مطالعه می‌کند و یا به فکر کارمند و سرباز زیردست خودش می‌باشد. قطعاً این روحیه و کار، به یک تعبیر، الهی غیبی است. ما نمی‌توانیم مثل حاج قاسم به مقام فعلی دست یابیم اما راز و رمز بعضی کارهای ایشان که موجب این موفقیت‌ها شد را یک مقداری در حد توان خودمان می‌توانیم رعایت کنیم. یک مسئله خدمت به پدر و مادر می‌باشد. من اطلاعی از رابطه او با پدر و مادرش نداشتم، اما به احتمال قوی یکی از اسرار موفقیت‌های ایشان همین خدمت به پدر و مادرشان است. (۱۳۹۸,۱۱,۱۷)

ایمان زلال

ما هیچ وقت باور نمی‌کردیم این مرد آن‌قدر عمق و باطن دارد. یک فرماندهی است در کنار فرماندهان دیگر یک مقدار بیشتر مورد اعتماد است. هرچه می‌گذرد به آثار و زندگی ایشان بیشتر پی می‌بریم، واقعاً غبطه می‌خوریم. خداوند متعال این معرفت را بی‌جهت، به هرکسی هدیه نمی‌کند، دل پاکی می‌خواهد که این نور را در آن قرار دهد. بهترین ویژگی حاج قاسم ایمان زلالی بود که به خدا و اهل بیت علیهم‌السلام داشت. (۱۳۹۹,۰۳,۱۳)

فرماندهی دل‌ها

فرماندهی حاج قاسم در منطقه عادی نبود، خدماتی که ایشان در این منطقه داشت از دست هیچ کسی برنمی‌آمد. فرمانده نظامی که برای او مهم نباشد و در مقابل نیروهای خودش و افراد عادی اشک بریزد و به هرکسی که خدمت کوچکی برای اسلام کرده تواضع کند. شهید سلیمانی مقام و جایگاه برایش مهم نبود. این‌گونه می‌شود که فرماندهی ایشان به یک فرماندهی دل‌ها مبدل شده است. (۱۳۹۹,۰۳,۱۳)

اعجاز تاریخی

مصداق تام آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَٰنُ وُدًّا» به نظر بنده حاج قاسم است و پیداست که ایمان و عمل صالح در این بزرگوار با دیگران فرق داشت. صفا و اخلاص و معنویت او بیشتر بوده که خدا این‌گونه محبتش را در قلوب اکثریت مردم جای داده است. شهید سلیمانی منحصر به یک فرد، گروه و صنف نیست، حاج قاسم یک اعجاز تاریخی و یک حادثه فوق‌العاده عجیبی بود. (۱۳۹۸,۱۰,۲۰)

سرّ توحیدی شهادت شهید سلیمانی

این‌گونه شهادت یک درس مشترکی به همه ما می‌دهد و یک سرّ توحیدی می‌تواند داشته باشد. خدای متعال در دوران نسبتاً طولانی، فعالیت‌های این شهید را از دیگران مخفی نگاه داشت. آنچنان که باید ایشان شناخته نشد. سرّ آن می‌تواند این باشد که اگر ایشان پیش از این شناخته می‌شد، دشمنان زودتر به فکر جنایت علیه ایشان می‌افتادند، که مانع افزایش برکات ایشان می‌شد. شهید سلیمانی توانست کاری را که وظیفه داشت در همین خفاء و مستوریت انجام دهد و به ثمر رساند. خداوند متعال در پاداش این همه مجاهدت شهید، هدیه عظیم شهادت را به او عنایت فرمود. این یکی از الطاف الهی و حسن تدبیرهای خداست که باید آنها را شناخت. وقتی خدا یک کسی را به مردم معرفی نمی‌کند، این سرّ توحیدی برای ما است و آن اینکه هیچ وقت از تنهایی و شماتت دیگران و اعتراض دیگران نهراسیم. سعی کنیم وظیفه خود را درست بشناسیم و در انجام آن هیچ چیز مانع نشود. فقط به‌خاطر اطاعت خدا آن وظیفه را انجام دهیم و مطمئن باشیم که خدای متعال برکاتی به آن خواهد داد که در عقل خود ما هم نمی‌گنجد. (۱۳۹۸,۱۰,۲۰)

تربیت دینی شهید سلیمانی

دین چنین کسانی می‌تواند بپروراند؛ شخصی که در اوج قدرت قرار دارد، در جلسات رسمی سعی می‌کرد یک گوشه‌ای بنشیند کسی نبیند اگر کسی کاری با او داشت، باید بگردیم پیدایش کنیم. این انسان تربیت شده دین است. هیچ مکتبی این طور نمی‌تواند پرورش بدهد. ما خیال نکنیم دین همین مسئله نماز و روزه است و حجی هم برویم. برای کسانی که اساس دین را در قلب خودشان باور کرده‌اند، دین؛ عشق، محبت، اخلاص، خشیت، خوف و رجاء است. چنین انسان‌هایی که اصل دین را باور دارند، گاهی یک نمودهایی از آن را در جاهای مختلف از خودشان نشان می‌دهند. شهید سلیمانی بزرگوار، فهمیده بود اساس دین ریشه‌اش کجاست. به چه چیزی باید بیشتر اهمیت داد. تا لحظه آخر هم دست از این منش‌اش برنداشت. مقام معظم رهبری فرمودند خوب است ما از کل این جریان (شهادت شهید سلیمانی) درس بگیریم و این حادثه را فراموش نکنیم. این حادثه سراپایش از یک نظر اعجاز، از یک نظر اخلاق، از یک نظر نور، از یک نظر درس است. (۱۳۹۸,۱۰,۱۸)

آیت‌الله مصباح با تمام توان برای این جبهه کار می‌کردند. چه در دوران دفاع مقدس و چه در دوران اخیر... تعدادی از فرماندهان دوران جنگ هشت‌ساله از شاگردان ایشان بودند. تعدادی از شهدای جبهه مقاومت از شاگردان ایشان بودند؛ چه در حزب‌الله، چه در سوریه و چه در عراق. بعضی از روحانیون شهید مدافع حرم از شاگردان علامه بوده‌اند و حمایت ایشان از این جبهه به حدی بود که گاهی من خجالت می‌کشیدم.

نقش علامه مصباح در رشد نظام بینشی نیروهای حزب‌الله، انصارالله و جبهه مقاومت، یک نقش بارز است... افرادی در سطح ایشان به عنوان عقبه فکری نظام، نگاه امامین انقلاب اسلامی را تبیین کردند و همین نگاه، فکر جبهه مقاومت را شکل داد. تا جایی که سردار سلیمانی به سید حسن نصرالله می‌گوید: اگر می‌خواهید نیروها در مسیر بمانند؛ از نظر اعتقادی و نظام ارزشی و معنوی باید این‌ها را وصل کنید به علامه مصباح.

گزارشی از برنامه ستادهای بزرگداشت علامه مصباح و شهید سلیمانی

ستادهای بزرگداشت علامه مصباح و شهید سلیمانی کار خود را از اوایل آذرماه شروع کرده و فعالیت خود را تا دهه فجر انقلاب اسلامی ادامه خواهند داد.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدحسین رجبی، دبیر ستاد مردمی بزرگداشت دومین سالگرد علامه مصباح یزدی به خبرنگار کیهان گفت: مدتی بعد از رحلت علامه مصباح یزدی در ۱۲ دی‌ماه ۹۹ که با فاصله چند ساعت از اولین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی رخ داد، به واسطه تاییدات فراوانی که رهبر فرزانه انقلاب نسبت به مرحوم علامه داشتند و همچنین جایگاه ویژه ایشان در حرکت انقلاب اسلامی و مبارزات گسترده فکری که پیش از وقوع انقلاب و پس از آن در راستای تبیین‌اندیشه ناب اسلامی و مقابله با تفکرات انحرافی داشتند، ستاد بزرگداشت علامه مصباح یزدی با مشارکت شخصیت‌های برجسته علمی، فرهنگی و هنری تشکیل شد و فعالیت‌هایی به منظور معرفی‌اندیشه و ابعاد شخصیتی این عالم فرزانه و کم‌نظیر صورت گرفت. وی افزود: پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی رحلت علامه مصباح سرشار از تعبیرات عمیق و خاصی بود که حاکی از عظمت ابعاد شخصیتی ایشان بود. همچنین نمازی که رهبر انقلاب شخصاً بر پیکر ایشان اقامه نمودند، در شرایط همه‌گیری بیماری کرونا بی‌سابقه بود و نشان از توجه ویژه رهبر انقلاب به این عالم‌مجاهد دارد. حجت‌الاسلام رجبی در توضیح فعالیت‌های این ستاد اظهار کرد: ما در سال ۱۴۰۰ به سراغ مهم‌ترین چهره بین‌المللی مقاومت یعنی سیدحسن نصرالله رفتیم و گفت‌وگویی با ایشان ترتیب دادیم که بخش‌هایی از آن در برنامه تلویزیونی آیه مقاومت منتشر شد. سیدحسن نصرالله در آن گفت‌وگو، به صراحت اذعان نمودند که ما کمی پس از تاسیس حزب‌الله، احساس نیاز به یک عقبه محکم و مطمئن فکری داشتیم و دوستان ما در ایران، آیت‌الله مصباح یزدی را به ما معرفی نمودند. در ادامه گفت‌وگو وقتی از ایشان سؤال شد چه کسی آیت‌الله مصباح یزدی را به شما به عنوان عقبه فکری معرفی کرد، فرمودند سردار حاج قاسم سلیمانی. در واقع شهید سلیمانی حدود ۲۰ سال قبل با علامه مصباح آشنایی داشتند و ایشان را به عنوان عقبه و پشتیبان فکری به حزب‌الله معرفی کرده بودند. وی ادامه داد: سال ۱۴۰۰ در اولین سالگرد رحلت علامه، کنگره بین‌المللی بزرگداشت ایشان در سالن همایش‌های صداوسیما برگزار شد و ریاست محترم جمهور در آن مراسم به تجلیل از شخصیت علامه پرداختند. اندکی بعد، رهبر معظم انقلاب در سخنرانی ۱۹ دی ۱۴۰۰، از ایشان با عنوان شاگرد شایسته امام و شخصیتی که در اوج عقلانیت و غیرت دینی قرار داشت یاد کردند. امسال نیز در دیدار رمضانی دانشجویان با رهبر انقلاب، ایشان مجدداً از علامه مصباح نام بردند و ایشان را استاد، مرجع و ملجأ فکری نامیدند. به همین علت، رویکرد ما در ستاد بزرگداشت، به سمت معرفی بعد اندیشه‌ای و معرفتی ایشان رفت و امسال عنوان کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه مصباح یزدی را «استاد فکر» قرار دادیم. دبیر ستاد مردمی بزرگداشت علامه مصباح توضیح داد: این کنگره در سه روز متوالی برگزار شد. برنامه روز شنبه در سالن اجلاس کشورهای اسلامی در تهران که همراه با سخنرانی ریاست محترم جمهور و پیام رهبر فرزانه انقلاب همراه بود و برنامه دیروز و امروز در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی در قم برگزار شده و می‌شود. در این دو روز، ۴۸ مقاله علمی پژوهشی مرتبط با اندیشه‌های علامه مصباح در ۸ کمیسیون تخصصی مورد بررسی قرار گرفتند. امسال در بیش از ۲۰ استان کشور مراسم‌های مختلفی در تجلیل مقام علامه مصباح برگزار شد که با توجه به تقارن جالب توجه و معناداری که بین رحلت علامه و شهید سلیمانی همزمان با دهه بصیرت وجود داشت، بسیاری از برنامه‌ها به صورت مشترک برگزار شده و می‌شود. حمیدرضا مقدم‌فر، دبیر ستاد مردمی بزرگداشت سومین سالگرد شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی در نشست خبری تشریح برنامه‌های این ستاد گفت: شهید سلیمانی قهرمان ملی و امت اسلام است و به الگویی برای تمام جوانان آزاداندیش و حق‌جو در تمام دنیا تبدیل شد. امروز ما به حاج قاسم مانند گذشته نیاز داریم، چراکه نماد هویت ایرانی و اسلامی است. او هم به دنبال اعتلای انقلاب اسلامی بود و هم اینکه ایران را حرم می‌دانست. حاج قاسم و همرزمان شهیدش به شهدای مدافع حرم معروف بودند، اما او ایران را هم حرم می‌دانست که اگر ایران آسیب می‌دید، خیلی از حرم‌ها آسیب می‌دید. وی با اشاره به برنامه‌های سومین سالگرد شهید سلیمانی اظهار داشت: ما اخیراً برای انتخاب شعار سومین سالگرد فراخوان دادیم و از مردم، نخبگان، دانشگاهیان و حوزویان برای شعار امسال کمک خواستیم و در نهایت از بین پیشنهادات بسیاری که ارسال شد، «جان‌فدا» را انتخاب کردیم. مقدم فر گفت: مراسم‌های بسیاری پیش‌بینی شده است. مراسم ملی بزرگداشت شهید سلیمانی فردا ۱۳ دی ماه (سالروز شهادت سردار سلیمانی) ساعت ۱۴ در مصلی تهران با حضور اقشار مختلف مردم و مسئولان برگزار خواهد شد و یکی از مقامات عالی کشور سخنرانی خواهد کرد. پیش نشست کنگره و همایش علمی تحت عنوان «قهرمان جهانی مقاومت» روز ۱۴ دی‌ماه با حضور شخصیت‌های بین‌المللی در سالن اجلاس سران برگزار می‌شود. مدتی پیش در این رابطه فراخوانی اعلام شد و از علاقه‌مندان خواسته شد تا در هفت سرفصل آثار علمی و پژوهشی خود را ارسال کنند. کنگره بین‌المللی ادبیات مقاومت نیز برگزار می‌شود. وی افزود: در کشورهای مقاومت از جمله سوریه و لبنان و عراق نیز برنامه‌های مختلفی اجرا خواهد شد. در کشورهای ترکیه، جمهوری آذربایجان، گرجستان، روسیه، اروپا و حتی آمریکا که قاتل حاج قاسم در آنجاست هم مردم برنامه‌هایی برگزار خواهند کرد. از برگزاری شب شعر، نمایشگاه عکس، پخش فیلم و مستند و... گرفته تا برگزاری مراسم در مساجد و کلیساها و جشنواره‌های هنری. به گزارش خبرنگار کیهان؛ از جلوه‌های زیبایی که در مراسم‌های امسال در استان‌های مختلف به چشم می‌خورد، برگزاری هماهنگ بزرگداشت علامه مصباح و شهید سلیمانی بود که با ابتکار ستادهای مردمی صورت گرفته بود.

علامه مصباح یزدی الگوی علمی و عملی اسلامی‌سازی علوم انسانی

احمد حسین شریفی

آیت‌الله مصباح یزدی همچون بسیاری از اندیشمندان اسلامی و حتی پاره‌ای از اندیشمندان غربی، به علوم انسانی موجود، نقد داشتند و این علوم را نارسا و گرفتار کاستی‌های بی‌شمار می‌دانستند و معتقد بودند علوم انسانیِ کنونی در شناخت حقایق مربوط به انسان، ناتوان است. علامه مصباح به مناسبت‌های مختلف در اطراف نقص‌ها و ضعف‌های علوم انسانی موجود سخن می‌گفتند. ایشان روش حاکم بر علوم انسانی غربی را روشی نارسا در دستیابی به مراد و مقصود می‌دانستند. توضیح آنکه روش حاکم بر علوم انسانی موجود (یعنی روش تجربیِ کمّی، روش تجربی کیفی و روش تجرب